

خشونت علیه زنان در خانواده تحقیقی در تهران

غلامعلی لیاقت

چکیده

هدف این پژوهش بررسی خشونت بر علیه زنان در خانواده در شهر تهران است که به علت تنوع جمعیت قابل تعمیم به تمام ایران می باشد. در این پژوهش پس از بیان تعاریف و اصطلاحات مبادرت به ذکر فرضیه ها نموده که در یک تحقیق میدانی بر روی جامعه آماری که به صورت اتفاقی از مناطق مختلف تهران بر روی ۱۰۰ زن خانه دار انجام گرفته، آزمایش شدند. در بخش تجزیه و تحلیل این پژوهش علاوه بر جداول توزیع فراوانی یک بعدی و دو بعدی، از آزمونهای آماری مختلف نظیر خی دو (X^2) همبستگی، در صد های تجمعی، میانگین و واریانس و میانه و غیره نیز استفاده شده است که استخراج به صورت کامپیوتری و از طریق نرم افزار تجزیه و تحلیل آماری در علوم اجتماعی Spss انجام گرفته است. در بخش نظریه ها از نظریه آنتونی گیلنر، نظریه قدرت در ازدواج، خشونت در خانواده ها بر حسب طبقات اجتماعی و خانواده های سالم بهره گرفته شد.

در بخش تجزیه و تحلیل داده ها از جدولهای یک بعدی و دو بعدی استفاده شد. جدولهای تک بعدی آشکار کردند که خانواده های مورد بررسی، خانواده هایی بودند پر جمعیت، با تحصیلات رسمی پایین، اکثراً چادر نشین با درآمد پایین ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان در ماه که اوقات فراغت خود را اغلب در خانه مانده و به تماشای تلویزیون و گوش دادن به رادیو می پرداختند و مردان همسران خود را به علت سهل انگاری در امور خانه داری و نه رسیدن به تکالیف فرزندان و عدم تفاهم ولی نه ارتکاب اعمال خلاف اخلاقی گاهی اوقات مورد آزار و خشونت قرار می دادند و پاسخگویان هم ادعا نمودند که مورد آزار بستگان همسر هم قرار نگرفته اند. البته نیاز مادی در مورد آزار و خشونت بی تأثیر نبوده است. این قسمت روشن می کند که مردان ایرانی در بعضی اوقات در مورد خاص متوسل به اعمال خشونت در خانواده می شوند. در مورد جدولهای چند بعدی در تمام فرضیه های تحقیق، بین عدم تفاهم زوجین، عدم انجام تکلیف منزل، عدم رسیدگی به تکالیف فرزندان و مشکلات مادی خانواده با خشونت علیه زنان رابطه مستقیم معنی دار وجود دارد.

هدف پژوهش

هدف این پژوهش بررسی خشونت علیه زنان در خانواده در شهر تهران است. در این بررسی سعی شده است به ریشه‌های خشونت در خانواده‌ها در این شهر و عوامل مؤثر در آن بپردازیم و در آخر راهکارهایی ارائه دهیم. در این تحقیق خانواده تحت خشونت به عنوان یک نظام اجتماعی^۱ در نظر گرفته شده که در آن اعضاء خانواده به عنوان یک سیستم اجتماعی در کنش و واکنش با یکدیگرند. امید است که این تحقیق با دستاوردهایش بتواند راهنمایی برای تحقیقات بعدی باشد.

تعاریف و اصطلاحات

آنتونی گیدنز خشونت خانوادگی را خشونتی رایج می‌داند که مردان همسران خود را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند و با آنان بدرفتاری می‌کنند. در بعضی از موارد این بدرفتاری جزئی و در بعضی موارد شدید است. او از پناهگاه‌های زنان مضروب‌شده گزارش می‌دهد که بعضی زنان به نحو دلخراشی مجروح گردیده‌اند، آنها از شکستگی استخوان‌ها، زخم‌های چاقو و جراحت شدید رنج می‌برند، با صندلی بر سرشان کوفته‌اند، بعضی را از پله‌ها به پایین پرتاب کرده‌اند و در پای یک نفر با چکش میخ فرو کرده‌اند. به عقیده او خشونت خانگی بلای اجتماعی جدیدی نیست. در سده‌های میانه و اوایل صنعتی شدن خشونت نسبت به زنان یک جنبه متداول ازدواج بود. تا اواخر قرن نوزدهم هیچ قانونی در انگلستان وجود نداشت که مانع از آن شود که مرد همسرش را مورد آزار جسمی قرار دهد. در حال حاضر با وجود بهبود وضعیت قانونی، توسل به قانون برای زنانی که گرفتار خشونت خانگی می‌شوند، دشوار است. پلیس که معمولاً از شیوه عدم مداخله در اختلافات خانوادگی پیروی می‌کند، غالباً مداخله خود را به آرام کردن مشاجره محدود می‌کند و نه پیگیری اتهامات.

پرخاشگری: ویژگی شخصیت افرادی است که اعمال خود را با خشم و خشونت و آمادگی برای برخورد با طرف مقابل با قصد و هدف آسیب و صدمه رساندن به او انجام می‌دهند.

خانواده: در اینجا منظور پدر، مادر و فرزندان است. خانواده مرکز پرورش فرزندان است و واحد بنیادین جامعه به حساب می‌آید.

1. Social system

فرضیه‌ها

- فرضیه ۱: بین عدم تفاهم زوجین و خشونت در خانواده رابطه مستقیم وجود دارد.
- فرضیه ۲: بین عدم انجام تکالیف منزل زوجه و اعمال خشونت در خانواده رابطه مستقیم وجود دارد.
- فرضیه ۳: بین مشکلات مادی در خانواده و خشونت رابطه مستقیم وجود دارد.
- فرضیه ۴: بین عدم توجه همسر به تکالیف مدرسه فرزندان و اعمال خشونت مرد در خانواده رابطه مستقیم وجود دارد.

روش پژوهش

۱. جامعه آماری

جمعیت مورد مطالعه در این تحقیق جمعیت زنان تهران است. صد نفر آنان از مناطق مختلف تهران به طور اتفاقی انتخاب و به سؤالات پرسشنامه با گزینه‌های مختلف جواب داده‌اند.

نمونه و روش نمونه‌گیری

شیوه نمونه‌گیری به صورت کاملاً تصادفی بوده و افراد جامعه بدون آشنایی قبلی در تهران انتخاب و جامعه آماری در گروه سنی خاصی قرار نداشته و فقط گروه جنسی زنان مورد مطالعه قرار گرفته است.

ابزار اندازه‌گیری

ابزار اندازه‌گیری اصلی در این تحقیق پرسشنامه «محقق ساخته» بوده است، ولی در برخی از موارد نیز با پاسخگویان مصاحبه عمقی انجام گرفته و توضیحات لازم درباره چگونگی و نحوه نحوه صحیح پر کردن پرسشنامه‌ها به پاسخگویان تذکراتی داده شده است. پرسشنامه شامل بیست سؤال بوده که نتیجه محاسبه آن ۱۷ جدول یک بعدی و ۴ جدول دوی بعدی بوده است.

روش جمع آوری اطلاعات

تکمیل پرسشنامه به صورت انفرادی صورت گرفته و به افراد بی دقت جهت تکمیل پرسشنامه کمک شده که چگونه به پرسش‌ها پاسخ دهند.

روش آماری

استخراج اطلاعات با بهره‌گیری از روش‌های آماری مختلف صورت گرفته است. در این پژوهش هم از روش‌های آماری توصیفی و هم آمار استنباطی استفاده شده است. در بخش تجزیه و تحلیل این پژوهش، علاوه بر جداول توزیع فراوانی یک‌بعدی و دوبعدی، از آزمون‌های آماری مختلف نظیر χ^2 همبستگی، درصد‌های تجمعی، میانگین و واریانس و میانه و غیره نیز استفاده شده است که استخراج به صورت کامپیوتری و از طریق نرم‌افزار تجزیه و تحلیل آماری در علوم اجتماعی SPSS انجام گرفته است.

نظریات مختلف درباره رابطه زنان و مردان در خانواده

۱. نظریات آنتونی گیدنز

سلطه مردان: اگر چه تفاوت‌های قابل ملاحظه در نقش‌های مربوط به زنان در فرهنگ‌های مختلف وجود دارد، هیچ مورد شناخته شده از جامعه‌ای که در آن زنان قدرتمندتر از مردان باشند، وجود ندارد. زنان در همه‌جا اساساً با پرورش کودکان و نگهداری و اداره خانه سر و کار دارند، در حالی که فعالیت‌های سیاسی و نظامی در همه‌جا آشکارا مردانه است.

در جوامع صنعتی تقسیم کار میان زن و مرد کمتر از جوامع غیرصنعتی مشخص و آشکار است، اما شمار مردان در همه قلمروهای قدرت و نفوذ هنوز از زنان بیشتر است. سلطه مردان معمولاً پدرسالاری نامیده می‌شود. چرا باید پدرسالاری به شکل‌های گوناگون عمومیت داشته باشد؟ پاسخ‌های متعدد به این پرسش داده شده است، اما محتمل‌ترین تبیین نسبتاً ساده است؛ زنان کودکان را به دنیا می‌آورند و پرورش می‌دهند. در ماندگی کودک انسان ایجاب می‌کند که مراقبت اولیه شدید و طولانی باشد. از اینجاست که وابستگی مرکزی مادری تجربه زنان را مورد تأکید قرار می‌دهد. ضرورت فیزیکی اولیه این که مادران باید کودکان را

به دنیا آورده و پرستاری کنند، به سادگی به استمرار نقش مراقبتی و پرورشی که زنان در تمام فرهنگ‌ها می‌پذیرند می‌انجامد.

زنان به واسطه نقشی که به عنوان مادر و مراقبت‌کننده دارند، اساساً در فعالیتهای خانگی جذب می‌شوند. زنان همانند چیزی می‌شوند که داستان‌نویس و منتقد اجتماعی فرانسوی سیمون دوبووار، جنس دوم نامیده؛ زیرا از فعالیتهای عمومی تری که مردان می‌توانند آزادانه به آنها پردازند، کنار گذاشته شده‌اند. مردان به علت نیروی برتر فیزیکی، یا توانایی‌های فکری اصیل بر زنان مسلط نیستند، بلکه به این علت بر آنها تفوق یافته‌اند که پیش از به وجود آمدن کنترل موالید، زنان اسیر ساختمان بیولوژیک خود بودند. بارداری پی در پی و مراقبت مستمر از کودکان آنان را برای تأمین معیشت به مردان وابسته کرده بود.

۲. نیروی قدرت در ازدواج

برعکس عقیده گیدنز که مبتنی بر سلطه مردان است، عده‌ای نیروی قدرت را در ازدواج دخالت می‌دهند. به زبان ساده قدرت توانایی است که شخص می‌تواند خود را بر دیگران تحمیل کند. ما معمولاً قدرت را خارج از روابط خانوادگی به کار می‌بریم، اما قدرت عاملی در کنش‌های متقابل خانوادگی نیز هست. قدرت در تصمیم‌گیری در خانواده‌ها بخشی از کارکرد قدیمی نقش زن و مرد است. به طور سنتی انتظار می‌رود که زنان، مخصوصاً از زنان ازدواج کرده نقش شخص مطیع را نسبت به مردان بازی کنند. اما اگرچه پذیرش این نقش نزد اشخاص مختلف متفاوت است، اکثر زوج‌ها امروزه طرفدار برابری حق زن و مرد در ازدواج می‌باشند و قدرت مطلق بدون چون و چرا در تصمیمات خانوادگی را رد می‌کنند. در هر صورت عوامل متعددی در قدرت تصمیم‌گیری در خانواده دخالت دارند.

یکی از نظریه‌ها درباره قدرت تصمیم‌گیری در خانواده، مربوط به امتیازاتی است که هر یک از زوجین به خانواده می‌آورند. این منابع شامل درآمد، تحصیل، قدرت نفوذ در سازمان‌ها و مردم و غیره می‌باشد. اگر مرد شغل یا موقعیت بالاتر داشته باشد، و زن هیچ کاری جز خانه‌داری نداشته باشد، یا آن که مرد تحصیلات بیشتر و یا مهارت‌های سازمانی و مدیریتی بیشتر نسبت به زن داشته باشد، قدرت زیادتری در تصمیم‌گیری خانواده خواهد داشت.

خانواده‌های سالم

هر گاه بخواهیم یک خانواده «طبیعی» را تعریف کنیم، به موضوعات پیچیده‌ای که نویسندگان مختلف با دیدگاه‌های متفاوت در کتاب *فرایندهای خانواده طبیعی* مطرح کرده‌اند، روبرو می‌شویم (والش، ۱۹۸۲). فورما والش در فصل آغازین کتاب خود، معیارهای طبیعی بودن را مورد بحث و بررسی قرار داده و خانواده‌هایی را که فاقد علایم مرضی هستند و در شرایط مطلوب به سر می‌برند، و نیز آنهایی را که از لحاظ آماری عادی هستند، مشخص نموده است. وجه دیگر تعریف طبیعی بودن می‌تواند برحسب فرایندهای موجود در خانواده باشد. او در این مورد می‌گوید:

«فرایندهای اساسی پا گرفتن، نگهداری و شکوفایی واحد خانواده، در رابطه با فرد و نیز سیستمهای اجتماعی است. این که چه چیز طبیعی، نمونه و یا مطلوب به شمار می‌آید، در زمینه‌های عرفی و اجتماعی توصیف می‌شود و متناسب با نیازها و خواست‌های متفاوت داخلی و خارجی خانواده که احتیاج به انطباق با جریان چرخه زندگی خانواده دارد، تغییر می‌کند (والش، ۱۹۸۲: ۶).

در جامعه غرب، خصوصاً از زمان انقلاب صنعتی، گرایش به هسته‌ای بودن خانواده یعنی مجموعه‌ای شامل شوهر، همسر و بچه‌ها به عنوان خانواده طبیعی وجود داشته، اما در دهه‌های اخیر اهمیت این دیدگاه و گرایش به نحو چشمگیری کاهش یافته است. کلر در ۱۹۷۹ اظهار داشت که خانواده «ایده آل» از زن، شوهر و بچه‌ها تشکیل می‌شود، که در خانه خودشان زندگی می‌کنند، از درآمد شوهر به عنوان نان آور اصلی تأمین می‌شوند و از لحاظ عاطفی نیز با توجه انحصاری همسر به امور خانه و خانواده پیوند خورده‌اند. این تعریف تنها در مورد تقریباً حدود یک سوم خانواده‌های آمریکایی صدق می‌کند. از آن زمان تا به حال، نسبت چنین خانواده‌هایی رو به کاهش نیز گذارده است، به طوری که میزان طلاق فزونی گرفته و اغلب زنان متأهل و بچه‌دار به کار خارج از خانه اشتغال دارند.

والش در سال ۱۹۸۲، خاطرنشان ساخت که میزان طلاق در ایالات متحده دو برابر سال ۱۹۶۵ شده است و احتمال آن می‌رود که یک سوم از دواجاها به طلاق ختم شود. در بریتانیا و دیگر کشورهای اروپایی نیز تقریباً وضعیت مشابهی وجود دارد. بچه‌ها بیش از پیش تحت سرپرستی یکی از والدین بزرگ می‌شوند و امروزه کمتر به مؤسسات آورده، یا در آنها پذیرفته می‌شوند.

تعداد زنان شاغل نیز دستخوش تغییرات مشابهی شده است. در ایالات متحده آمریکا تعداد چنین زنانی بین سال‌های ۱۹۴۷ تا ۱۹۸۰، ۱۷۳ درصد افزایش داشته است، در حالی که تعداد مردان شاغل تنها از ۴۳ درصد افزایش برخوردار بوده است. بر طبق آمار تا سال ۱۹۸۰ در آمریکا ۴۵/۶ میلیون زن شاغل وجود داشت (بیانکی و اسپین، ۱۹۸۳؛ دووال و میلر، ۱۹۸۵). در بریتانیا یعنی جایی که تعداد زنان شاغل آن در سال ۱۹۸۴ حدود ۱۱ میلیون نفر از کل جمعیت ۲۷ میلیونی شاغل آن کشور بود، نیز گرایش مشابهی دیده می‌شود.

مدل‌های نظری زیادی به منظور ارزیابی خانواده‌ها و تصمیم‌گیری درباره «طبیعی» بودن آنها وجود دارد. این که درمانگر به کدام دسته عوامل بها دهد، تا اندازه‌ای به دیدگاه او بستگی دارد، اما کوشش‌هایی برای دستیابی به یک نقطه نظر کلی صورت گرفته است.

به عنوان مثال بارن‌هیل^۱ (۱۳۷۹) معتقد است که می‌توان خانواده‌های سالم را از خانواده‌های ناسالم براساس ابعاد هشت‌گانه زیر که او آنها را در چهار گروه تحت عنوان «محورهای اساسی خانواده» به شرح زیر دسته‌بندی می‌کند، تمیز داد:

الف- فرایندهای هویت

۱. فردیت در مقابل گروه

۲. تقابل در برابر انزوا

ب- تغییر

۳. انعطاف‌پذیری در مقابل خشکی و تحجر

۴. ثبات در مقابل عدم ثبات

ج- پردازش اطلاعات

۵. وضوح در مقابل عدم وضوح یا ادراکات تحریف‌شده

۶. وضوح در مقابل نقش‌های مبهم یا تعارض نقش

د- ساختار نقش

۷. تبادل نقش در مقابل نقشهای مبهم یا تعارضی

۸. وضوح در مقابل پراکنندگی، یا حد و مرزهای ازهم گسیخته بین نسلی

فلک^۱ (۱۹۸۰) نیز پنج متغیر از کنش های خانواده را که می بایست مدنظر قرار گیرند، پیشنهاد نمود. این متغیرها عبارتند از:

۱. **پیشوایی:** ماحصل شخصیت والدین، ویژگی های پیوند زناشویی، مکمل بودن نقش های والدینی، و به کارگیری قدرت از سوی والدین، که از شیوه های انضباطی آنها در کنترل خانواده به شمار می آید.

۲. **حد و مرزهای خانواده:** این امر مرزهای خود، نسل و همچنین مرز موجود میان خانواده و جامعه را دربرمی گیرد.

۳. **عاطفی بودن:** مسائل مهم این متغیر، صمیمیت درون فردی، تعادل سه جانبه (پدر و مادر و فرزند یا فرزندان) خانواده، میزان پذیرش اعضای خانواده نسبت به احساسات یکدیگر، و حساسیت واحد خانواده می باشد.

۴. **ارتباط:** این متغیر به میزان توجه و رسیدگی اعضای خانواده نسبت به یکدیگر، میزان تعادل در ارتباط کلامی و غیر کلامی، طرق ابراز وجود خانواده، وضوح و شکل و ترکیب گفتار اعضا و ماهیت تفکر انتزاعی و مجازی افراد مربوط است.

۵. **عملکرد معطوف به هدف:** این مورد شامل این موارد می شود: تربیت اعمال شده از سوی خانواده در امور اعضا، طرق احاطه کودکان بر فرایند جدایی از خانواده، کنترل رفتار و راهنمایی، ماهیت افراد خانواده، روابط با همسالان و راهنمایی آنها در این روابط، فعالیت های اوقات فراغت، چگونگی مواجهه خانواده ها با بحران ها، و سازگاری افراد بعد از ترک خانواده.

۴. **خشونت در خانواده ها بر حسب طبقات اجتماعی**

روابط بین زن و مرد در خانواده ها در ایران را می توان بر مبنای طبقه اجتماعی آنها مورد بحث قرار داد (جمال زاده، ۱۹۵۱). ذیلاً سه قشر اجتماعی را در این رابطه مورد بررسی قرار می دهیم.

قشر اول، شامل خانواده هایی است که مرتب در کشورهای خارج در حال تردد هستند. بر مبنای جهان دیدگی و تماس با فرهنگ های گوناگون که از خصوصیات این قشر است، نه مردان خشونت علیه زنان را روا می دارند و نه زنان اجازه چنین تجاوزهایی را می دهند، مخصوصاً اگر تجاوز از سنخ تنبیه بدنی باشد. در این

1. Fleck

مورد زنان می‌توانند از حقوق قانونی خود استفاده کنند. قشر دوم تحصیل کرده‌های سطح بالا و متوسط و بازرگانان تحصیل کرده مقیم داخل هستند که بر مبنای تحصیلات و مطالعاتشان مردان حرمت زنان خود را نگاه داشته و زنان نیز به حقوق خود واقفند و هر دو سعی بر آن دارند که فرزندان موفق‌تری بار آورند و آینده آنان را تأمین کنند. قشر سوم تحصیل کرده‌های سطح پایین، کارمندان و کسبه جزء هستند که آزار و اذیت زن نزد آنها تا اندازه‌ای کم‌رنگ شده و آزار و اذیت زن در حد متوسط است. قشر چهارم خانواده‌های روستایی یا شهری که در آنها مردسالاری متداول است. مردان، نان‌آور خانواده به حساب می‌آیند و سالار خانواده هستند و همه باید از آنها اطاعت کنند. در این خانواده‌ها تحکم و ورزیدن متداول است. در کلیه این موارد دو موضوع اساسی را باید مورد توجه قرار داد:

۱. مرد و زن در چه موقعیت روحی و روانی و اجتماعی قرار دارند؟ چه بسا بیماری شخص موجب آزار و اذیت طرف مقابل شود.

۲. آزار و اذیت و خشونت در خانواده‌ها یک موضوع ارثی اجتماعی است که فرد از خانواده‌های اصلی خود به ارث می‌برد.

به عبارت دیگر اگر شخصی ناظر باشد که در خانواده اصلی او، پدر، مادر را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهد و مخصوصاً تنبیه بدنی روا می‌دارد، احتمال این که خود چنین کند زیاد است. به عبارت دیگر چنین فردی از رفتار پدرالگو می‌گیرد.

البته نباید فراموش کرد که این جامعه است که نقش برتر را به مرد می‌دهد. به‌طور خلاصه امتیازاتی که مردان برای تصمیم‌گیری در خانواده کسب می‌کنند، بستگی به اجتماعی دارد که در آن زندگی می‌کنند. باید دید جامعه تا چه حد راه را برای پیشرفت زنان باز نگاه می‌دارد؛ آیا امتیازات زیاده‌تری برای مردان قائل می‌شود و زنان را کنار می‌گذارد؟

این مباحث ما را به یک دیدگاه کلی قدیمی راهنمایی می‌کند که بر پایه آن در یک نظر کلی جوامع را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد: جامعه مدرن و جامعه سنتی. جامعه مدرن، جامعه‌ای است که در آن قوانین مدونی وجود دارد که حقوق افراد، مخصوصاً زن و مرد در آن مشخص شده است. جامعه‌های سنتی جوامعی هستند که همه چیز، مخصوصاً حقوق زنان و مردان طبق سنت مشخص می‌شود.

اما در این میان رسانه‌های گروهی ملی و بین‌المللی و ارتباطات و آسان شدن مسافرت‌های بین‌المللی بافت جوامع سنتی را تا اندازه‌ای تغییر داده است و زنان هم مطالبه حقوق برابر می‌نمایند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای جلوگیری از طولانی شدن مقاله، از درج جدول‌های یک‌بعدی خودداری می‌کنیم و تنها به ذکر نتایج آنها می‌پردازیم.

جدول توزیع فراوانی جمعیت نمونه برحسب جنس نشان می‌دهد که از هر جنس فرزندان به میزان یکسان ۵۰٪ انتخاب شده‌اند.

جدول توزیع فراوانی برحسب تعداد افراد خانواده نشان می‌دهد که بیشترین درصد فراوانی مربوط به خانواده‌های دارای افراد بیشتر از چهار نفر (۴۶٪)، و کمترین درصد مربوط تعداد افراد خانواده‌های دو نفره (۳٪) است.

جدول مربوط به توزیع فراوانی برحسب میزان تحصیلات همسر حاکی از آن است که بیشترین درصد فراوانی مربوط به میزان تحصیلات همسر، سیکل (۴۱٪) و کمترین فراوانی مربوط به میزان تحصیلات پدر به میزان (۲۰٪) است.

جدول توزیع فراوانی برحسب میزان تحصیلات زن نشان می‌دهد که بیشترین درصد مربوط به میزان تحصیلات زن، سیکل (۴۸٪) است و کمترین درصد مربوط به میزان تحصیلات مادر بالاتر از دیپلم (۳٪) است. جدول توزیع فراوانی برحسب وضعیت سکونت نشان می‌دهد که بیشترین درصد فراوانی مربوط به وضعیت اجاره (۳۷٪) و کمترین درصد مربوط به وضعیت سکونت سازمانی (۱۱٪) است.

جدول توزیع فراوانی برحسب شغل همسر حاکی از این است که بیشترین درصد مربوط به شغل همسر آزاد (۷۰٪) و کمترین درصد سایر موارد (۹٪) است.

جدول توزیع فراوانی برحسب درآمد ماهیانه خانواده نشان می‌دهد که بیشترین درصد، ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان (۵۸٪) و کمترین درصد کمتر از ۱۰۰ هزار تومان (۳٪) است. درآمد ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان، درآمد زیر خط فقر است.

جدول توزیع فراوانی برحسب چگونگی گذران اوقات فراغت آشکار می‌کند که بیشترین درصد فراوانی مربوط به خانه‌نشستن و گوش دادن به رادیو و تماشای تلویزیون، به میزان (۵۱٪)، و کمترین درصد مربوط به پارک رفتن (۹٪) است.

جدول توزیع فراوانی برحسب مورد خشونت قرار گرفتن از طرف همسر نشان می‌دهد که بیشترین درصد مربوط به گاهی اوقات (۵۲٪) و کمترین درصد مربوط به مورد خشونت قرار نگرفتن از طرف همسر (۲۰٪) است.

جدول توزیع فراوانی برحسب مدت خشونت آشکار می‌کند که بیشترین درصد مربوط به سهل‌انگاری در امورخانه‌داری (۴۰٪)، بعد از آن معاشرت با همسایگان (۱۱/۲۵) و کمترین درصد فراوانی مربوط به استعمال مواد مخدر (۵٪) است.

جدول مربوط به توزیع فراوانی برحسب وجود تفاهم با همسر نشان می‌دهد که بیشترین درصد مربوط به عدم وجود تفاهم با همسر (۵۸٪) و کمترین درصد مربوط به وجود تفاهم با همسر (۱۱٪) است.

جدول مربوط به توزیع فراوانی برحسب داشتن ناپدیری نشان می‌دهد که بیشترین درصد مربوط به نداشتن ناپدیری (۸۶٪) و کمترین درصد مربوط به داشتن ناپدیری (۱۴٪) است.

جدول مربوط به توزیع فراوانی برحسب داشتن نامادری آشکار می‌کند که بیشترین درصد فراوانی مربوط به نداشتن نامادری (۸۱٪) و کمترین درصد فراوانی مربوط به داشتن نامادری (۱۹٪) است.

جدول مربوط به توزیع فراوانی برحسب خشونت به علت انجام ندادن کارهای محوله نشان می‌دهد که بیشترین درصد مربوط به خشونت گهگاهی به علت عدم انجام کارهای محوله (۴۹٪) و کمترین درصد مربوط به خشونت در رابطه با عللی به جز انجام کارهای محوله (۱۹٪) است.

جدول مربوط به توزیع فراوانی برحسب مواردی که بیشتر باعث عصبانیت همسر (مرد) می‌شود، نشان می‌دهد که ۵۳٪ مشاجرات به تقصیر و کوتاهی بانوان درباره انجام کارها و تکالیف خانه‌داری مربوط می‌شود، در حالی که ۱۰٪ اختلافات و خشونت‌ها به تقصیرهای اخلاقی زنان مربوط است و این امر نشان می‌دهد که زنان ایرانی کمتر مرتکب خلاف اخلاق می‌شوند.

جدول توزیع فراوانی برحسب خشونت همسر و فرزندان نشان می‌دهد که بیشترین درصد مربوط به افرادی است که مورد خشونت همسر و بستگان او قرار نگرفته‌اند (۶۰٪) و کمترین درصد مربوط به افرادی است

که مورد خشونت همسر و بستگان او قرار گرفته‌اند (۱۹٪) سؤال اعمال خشونت گهگاهی به وسیله همسر و بستگان او، ۲۱٪ را به خود اختصاص داده است.

جدول توزیع فراوانی بر حسب علل مشکلات خانواده حاکی از آن است که بیشترین درصد مربوط به نیاز مالی (۵۵٪) و کمترین درصد فراوانی مربوط به مشکل تک‌والدی (۵٪) است و عدم وجود امکانات رفاهی ۴۰٪ را به خود اختصاص داده است.

جدول توزیع فراوانی بر حسب وجود فرد معتاد در خانواده نشان می‌دهد که کمترین میزان مربوط به وجود شخص معتاد در خانواده مخصوصاً مادر است که صفر درصد را به خود اختصاص داده است. سؤال هیچ کدام ۸۵٪ است.

جدول توزیع فراوانی بر حسب چگونگی تأمین هزینه‌های خانواده نشان می‌دهد که بیشترین درصد تأمین مخارج از طریق پدر (۷۹٪) و کمترین درصد متعلق به بستگان (۲٪) است.

جدول ۱- جمعیت فراوانی‌ها بر حسب تفاهم بین والدین

تفاهم همسر خشونت	بلی	تا حدودی	خیر	جمع افقی
بلی	۵	۱	۲۲	۲۸
	۳/۰۸	۸/۶۸	۱۶/۲۴	۲۸
خیر	۶	۱۰	۴	۲۰
	۲/۲	۶/۲	۱۱/۶	۲۰
گاهی اوقات	۰	۲۰	۳۲	۵۲
	۵/۷۲	۱۶/۱۲	۳۰/۱۶	۵۲
جمع عمودی	۱۱	۳۱	۵۸	۱۰۰
	۱۱	۳۱	۵۸	۱۰۰

Df	Sig	X2 محاسبه شده
۴	۰/۰۵	۳۰/۶۷۳۱۸

با توجه به X^2 محاسبه شده بالا با ۴ درجه آزادی و با ۹۵٪ درصد اطمینان، می توان قضاوت نمود که رابطه معنی داری بین عدم تفاهم زوجین و خشونت مرد وجود دارد، بدین معنا که عدم تفاهم همسر بهانه ای برای خشونت مرد است.

جدول ۲- جمعیت نمونه بر حسب خشونت به علت عدم انجام وظایف خانه

انجام تکالیف خشونت	بلی	تا حدودی	خیر	جمع افقی
بلی	۱۰	۴	۱۴	۲۸
	۸/۸۶	۵/۳۲	۱۳/۷۲	۲۸
خیر	۱۵	۵	۰	۲۰
	۶/۴	۳/۸	۹/۸	۲۰
گاهی اوقات	۷	۱۰	۳۵	۵۲
	۱۶/۶۴	۹/۸۸	۲۵/۴۸	۵۲
جمع عمودی	۳۲	۱۹	۴۹	۱۰۰
	۳۲	۱۹	۴۹	۱۰۰

Df	A	X^2 محاسبه شده
۴	۰/۰۵	۳۱/۳۳۲۲۴

با توجه به X^2 محاسبه شده بالا با ۴ درجه آزادی و با ۹۵٪ درصد اطمینان، می توان قضاوت نمود که رابطه معنی داری بین عدم انجام تکالیف منزل زوجه و اعمال خشونت مرد وجود دارد، بدین معنا که عدم انجام تکالیف منزل باعث خشونت می شود.

جدول ۳- جمعیت نمونه بر حسب علل مشکلات خانواده

تفاهم همسر خشونت	بلی	تاحدودی	خیر	جمع افقی
بلی	۳	۲۵	۰	۲۸
	۱/۴	۱۵/۴	۱۱/۲	۲۸
خیر	۲	۱۰	۸	۲۰
	۱	۱۱	۸	۲۰
گاهی اوقات	۰	۲۰	۳۲	۵۲
	۲/۶	۲۸/۶	۲۰/۸	۵۲
جمع عمودی	۵	۵۵	۴۰	۱۰۰
	۵	۵۵	۴۰	۱۰۰

Df	A	X2 محاسبه شده
۴	۰/۰۵	۳۱/۳۲۰۶۸

با توجه به X^2 محاسبه شده بالا با ۴ درجه آزادی و با ۹۵٪ درصد اطمینان، می توان قضاوت نمود که رابطه معنی داری بین مشکلات خانواده ها و خشونت وجود دارد، بدین معنا که نیاز مالی که یکی از عمده ترین مشکلات خانواده هاست، باعث خشونت علیه زنان می شود.

جدول ۴- جمعیت نمونه بر حسب مواردی که باعث عصبانیت همسر و اعمال خشونت از طرف وی می شود.

تفاهم همسر خشونت	بلی	تاحدودی	خیر	جمع افقی
بلی	۸	۲۰	۰	۲۸
	۱۰/۹۲	۱۴/۲۸	۲/۸	۲۸
خیر	۵	۱۰	۵	۲۰
	۷/۸	۱۰/۲	۲	۲۰
گاهی اوقات	۲۶	۲۱	۵	۵۲
	۲۰/۲۸	۲۶/۵۲	۵/۲	۵۲
جمع عمودی	۳۹	۵۱	۱۰	۱۰۰
	۳۹	۵۱	۱۰	۱۰۰

X^2 محاسبه شده	A	Df
۱۴/۱۵۵۰۱	۰/۰۵	۴

با توجه به X^2 محاسبه شده بالا با ۴ درجه آزادی و با ۹۵٪ درصد اطمینان، می توان قضاوت نمود که رابطه معنی داری بین عدم توجه به تکالیف مدرسه فرزندان و عصبانیت در خانواده وجود دارد، بدین معنا که بی توجهی یکی از عمده ترین موارد عصبانیت و خشونت همسر است.

نتیجه

این تحقیق بر مبنای دو نوع جدول مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، مورد اول جدول های تک بعدی و مورد دوم جدول های دو بعدی. مورد اول آشکار می کند که اکثر خانواده های مورد بررسی خانوادگی بودند پر جمعیت، با تحصیلات پایین، اجاره نشین، با درآمد پایین ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان در ماه که اوقات فراغت خود را اغلب در خانه مانده و به تماشای تلویزیون و گوش دادن به رادیو می پرداختند و مردان همسران خود را به

علت سهل انگاری در امور خانه‌داری و نرسیدن به تکالیف فرزندان، عدم تفاهم و نه انجام اعمال خلاف اخلاقی، گاهی اوقات مورد آزار و خشونت قرار می‌دادند و پاسخگویان اذعان نمودند که مورد آزار بستگان همسر هم قرار نگرفته‌اند.

چنین استنتاجی از داده‌ها بر نمی‌آید. تا این قسمت تحقیق روشن می‌شود که مردان ایرانی در بعضی اوقات و در موارد خاص متوسل به اعمال خشونت در خانواده خود می‌شوند. داده‌های منظم شده در جدول‌های دومی و دومدخلی و آزمون‌های X^2 رابطه معنی‌دار بین عدم تفاهم زوجین، عدم انجام تکالیف منزل، عدم رسیدگی به تکالیف فرزندان به وسیله زوجین و مشکلات مادی خانواده با خشونت خانوادگی علیه زنان را نشان می‌دهند.

فهرست منابع

- گیدنز، آتونی (۱۳۸۲): *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهری صبوری، تهران، نی.
- آنت‌هانار. ک.هان (۱۳۵۹): *خشونت*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران انتشارات خوارزمی.
- استیرن، فرانسوا (۱۳۸۱): *خشونت و قدرت*، ترجمه بهنام جعفری، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- _____ (۱۳۷۹): *تحلیل روان‌شناختی استبداد و خودکامگی*، ترجمه علی صاحبی، تهران، انتشارات ادب و دانش.
- بن‌زاده، خسرو (۱۳۸۲): *هم‌برابری زن و مرد*، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- رحمتی، محمد صادق (۱۳۷۱): *روانشناسی اجتماعی معاصر*، انتشارات سینا.
- رفیعی فر، شهرام؛ پارسانیا، سعید (۱۳۸۰): *خشونت علیه زنان*، سازمان جهانی بهداشت و نشر تدیس.
- کار، مهرانگیز (۱۳۸۱): *پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران*، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- _____ (۱۳۷۸): *رفع تبعیض جنسی از زنان*، انتشارات پروین.
- _____ (۱۳۷۸): *ساختار حقوقی نظام خانواده*، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- _____ (۱۳۷۸): *خشونت علیه زنان معضلی رو به رشد*، مرداد.

Ackerman, N.W. (): *Treating the Troubled family*, New York, Basic Books.

Fleck, S.(1980): "Family functioning and family therapy", *Psychiatric Annals*, 10 , 46-54.

Gottman, J.(1994): *why marriages succeed or Fail*, New York, Simon and Schuster.

Jacobson N.S. and others(1996): "component analysis of behavioral marital therapy", *Journal Marital and family therapy*, 13-187-195.

Keller, S.(1979): *Does the family have future? In family , its structure and functions* 2 nd Ed, ed closer, R.L., New York: St.martin's press.

Walsh, F.(1982): *Normal families process* New York, Guildford.

_____. (1954):"DJamalzadeh Am Outline of social and Economic structure of Iran" , *International Labour Review* , LXII.January.

مشخصات نویسنده

غلامعلی لیاقت دارای درجه دکترای جامعه‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد و سابق دانشگاه‌های نیویورک است.